

The Iranian-Islamic Lifestyle of Qajar-Era Women Based on the Views of Foreign Travel Writers

Arman Frouhi

Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, University of Meybod, Meybod, Iran.

A.Frouhi@meybod.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /05 / 05 Revised: 2024 /05 / 21 Accepted: 2024 /06 / 03 Published Online: 2024 /07 / 21	The travelogues of foreign travelers during the Qajar period provide valuable information about the culture and society of Iran during that era. These works examine the transformations and characteristics of Iranian life, including the institution of the family, through an «outsider»s perspective,» which makes them particularly significant compared to other sources. Within this context, given the patriarchal nature of the Qajar era, women—as half of Iranian society—were especially emphasized by foreign travel writers. Their accounts document many aspects of the Iranian-Islamic lifestyle of Qajar-era women, such as behavior, clothing, social roles, beliefs, and participation in religious and national rituals. Based on library resources and using a descriptive-analytical approach, this study seeks to answer the question: What features of Qajar-era women, with respect to the Iranian-Islamic lifestyle, were highlighted by foreign travelers? The research findings indicate that women of this period were subject to a gendered gaze and consequently enjoyed fewer social privileges than men. Nevertheless, their institutionalized role as «mothers» of the family, along with their presence in public spaces and various national-religious ceremonies and celebrations, captured the attention of travelers and revealed their social roles within society. Keywords: Lifestyle, Iranian women, Travelogues, Qajar period, Travel writers.



دوره ۱۱ | شماره ۴۰ | تابستان ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499978.1390>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

سبک زندگی ایرانی - اسلامی زن دوره قاجار بر اساس دیدگاه سفرنامه‌نویسان خارجی

آرمان فروهی

استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

A.Forouhi@meybod.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	سفرنامه‌های سیاحان دوره قاجار اطلاعات ارزنده‌ای از فرهنگ و جامعه ایران این دوره در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهند. این آثار دگرگونی‌ها و شاخصه‌های زندگی ایرانی از جمله نهاد خانواده را با «نگاه غیرخودی» نگریسته‌اند که از این جهت نسبت به سایر نوشته‌ها حائز اهمیت است. در این میان، با توجه به فضای مردسالار عصر قاجار، زنان به‌عنوان نیمی از جامعه ایرانی مورد تأکید سفرنامه‌نویسان خارجی قرار گرفته‌اند و جلوه‌های متعددی از سبک زندگی ایرانی - اسلامی زن دوره قاجار همچون نوع رفتار، پوشش، نقش اجتماعی، اعتقادات و مشارکت در مناسک مذهبی و ملی و غیره در آن مکتوبات نگارش شده است؛ براین اساس پژوهش حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که چه ویژگی‌هایی از زن دوره قاجار با توجه به سبک زندگی ایرانی - اسلامی مورد مذاقه مسافران خارجی شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زن این دوره دچار نگاه جنسیتی است و به همان نسبت از امتیازات اجتماعی کمتری نسبت به مردان برخوردار است؛ باوجوداین کارکرد اصلی و نهادینه زن به‌عنوان «مادر» خانواده و همچنین حضور آنان در فضاهای اجتماعی، جشن‌ها و مناسک گوناگون ملی - مذهبی، نگاه سیاحان را به خود جلب کرده است و نقش اجتماعی آن‌ها را در جامعه نمایان ساخته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۴	
انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱	
صفحات: ۱۰۵-۱۲۵	کلید واژه‌ها: سبک زندگی، زن ایرانی، سفرنامه، قاجاریه، سفرنامه‌نویسان.

مقدمه

سفرنامه‌ها از دسته‌های مهم حوزه تاریخ‌نگاری در ایران به شمار می‌روند. سفرنامه‌ها - در هر قالب و شکل - نقش مهمی در بازتاب دگرگونی‌ها و ابعاد مختلف جامعه ایران در ادوار مختلف دارند. همچنین ما را به ناگفته‌هایی از تاریخ هدایت می‌کنند که کمتر در تاریخ‌نگاری رسمی از آن‌ها سخن گفته شده است. سفرنامه‌نویسان با ریزبینی و دقت، راوی زندگی اجتماعی ایرانیان بوده‌اند که از طریق آن‌ها می‌توان به درک کامل‌تری از جزئیات دوره زمانی مورد بحث رسید. آداب و رسوم، فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگ، مذهب، زبان، فرهنگ، سبک زندگی و سایر ملزومات زندگی انسانی در سفرنامه‌ها به تفصیل آمده است.

سفرنامه‌نویسان را می‌توان به نگارندگان داخلی و خارجی تقسیم کرد؛ که سیاحان خارجی نگاهی «غیرخودی» نسبت به تحولات جامعه ایران دارند. سرزمین ایران از سده‌های اولیه تاکنون، میزبان سیاحان و سفرنامه‌نویسان خارجی متعددی بوده است. به صورت خاص و با افزایش ارتباطات بین‌المللی در دوران جدید ایران - یعنی دوره صفویه - ایران محل عبور و مقصد بسیاری از سیاحان بوده است. از دوره صفویه و همچنین دوره قاجار، سیاحان بیگانه با اهداف متعدد به ایران آمدند. برخی سیاحان در قالب هیأت‌های سیاسی، برخی به عنوان مبلغ مذهبی و بعضی به عنوان فرد نظامی، تاجر و جغرافی‌دان وارد کشور شدند. در این دوره، به نسبت دوره‌های قبل، ضمن افزایش تعداد سیاحان، فضای مساعدتری نیز برای رفت و آمد آن‌ها در مناطق مختلف وجود داشت که این مسئله کمک کرد تا سیاحان، جزئیات بیشتری را در اختیار مخاطب خود قرار دهند.

از سفرنامه‌های سیاحان دوره قاجار، می‌توان اطلاعات ارزشمندی راجع به فرهنگ عامه مردم، اعم از فعالیت‌های فردی و جمعی جامعه ایرانی، استخراج کرد که در شناخت فضای فرهنگی و اجتماعی این دوره بسیار کارساز است. سیاحان دوره قاجار، عمدتاً با دید جزئی‌نگر و انتقادی به مسائل گوناگون مردم ایران نگریسته‌اند که این نگاه، به شناخت فضای زندگی مردم این دوره کمک می‌کند. سیاحان زن نیز در میان این سیاحان وجود داشتند که با نگاه دقیق‌تر، اطلاعات ارزنده‌تری را به ما می‌دهند. در عرصه اجتماعی زن به عنوان نیمی از جامعه از دید سیاحان این دوره به دور نمانده است. سیاحان بیگانه که عموماً مورد احترام ایرانیان

بودند، توانستند تا حدودی به حریم خانه‌های آن‌ها ورود کنند و زیست اجتماعی زن ایرانی را از نزدیک ببینند. همچنین حضور زنان در مسئولیت‌های اجتماعی گوناگون مورد توجه سیاحان بوده است.

۱. پیشینه مقاله

در ارتباط با پیشینه مقاله برخی آثار قابل توجه است که عبارتند از: نظری مقدم در مقاله «چگونگی بازنمایی هویت زن ایرانی در سفرنامه‌های خارجی عصر قاجار» (۱۴۰۲) به نقش و جایگاه زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه عصر قاجار پرداخته است و آن را با مردان آن دوره نیز مقایسه کرده است. کجباف و دیگران در مقاله «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی» (۱۳۹۲) و همچنین ربانی‌زاده و دیگران در مقاله «بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری براساس سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار» با مسئله مشترک به بررسی مؤلفه‌های زندگی زنان بختیاری‌ها در جنبه‌هایی همچون نفوذ و اختیارات، سواد، اردواج، حجاب، آرایش و زینت، اعتقادات و باورها و غیره پرداخته‌اند. پناهی و محمدزاده در مقاله «تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه براساس نظریه بازنمایی استوارت هال» (۱۳۹۵) دسته‌ای از سیاحان غربی را با ملیت فرانسوی به عنوان جامعه آماری خود در نظر گرفته است و زندگی زنان این عصر را از دیدگاه آنان مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیقات فوق با وجود اهمیت به لایه‌های زیرین زندگی زنان همچون اشتغالات شخصی، تفریحات، درآمد و حضور در مناسک مذهبی و اجتماعی که با عنوان سبک زندگی از آن‌ها می‌توان یاد کرد، به صورت مستقل نپرداخته‌اند. جایگاه زن ایرانی به عنوان مادر، نوع رفتار اجتماعی و حضور در اجتماع‌های عمومی و مذهبی و اشتغال، از جمله ابعاد سبک زندگی بخش قابل توجه جامعه عصر قاجار است که در این پژوهش واکاوی خواهد شد.

۲. مفهوم سبک زندگی

یک جامعه از مجموعه فرهنگ‌های گوناگون منطقه‌ای و محلی تشکیل شده است که واکنش این فرهنگ‌ها نسبت به یکدیگر و تعامل آن‌ها با هم موجب می‌شود که همبستگی و تعاون

اجتماعی بین آن‌ها رخ دهد. در تعامل بین فرهنگ‌های مختلف است که خرده‌فرهنگ‌های جدید، منطبق با نیازهای جامعه شکل می‌گیرد. امروزه باوجود گسترش فناوری و شبکه‌های ارتباطی در دهه‌های اخیر، ارتباطات و پیوستگی‌ها بیش‌ازپیش صورت گرفته است و درعین‌حال، تفاوت‌ها و تمایزهای فردی و اجتماعی خود را بیشتر نشان می‌دهد. تفاوت میان افراد جامعه با تفاوت در نوع زندگی و مصرف کالاها و امکانات خود را نشان می‌دهد که از آن در ادبیات مفاهیم جامعه‌شناسی با عنوان «سبک زندگی» یاد می‌شود (خواج‌نوری، ۱۳۸۹، صص. ۱۳۵-۱۳۲).

سبک زندگی^۱ از مفاهیم ویژه و اصلی در فرهنگ مصرف در دنیای مدرن است. این مفهوم که ابتدا در زبان انگلیسی رایج شد، بیشتر کاربردی عامیانه در ادبیات و زبان انگلیسی داشته است. این اصطلاح برای توصیف نوع و گونه‌ی خانه، اثاثیه و اسباب خانه که از نظر فرد برای زندگی مطلوب و ایدئال است، به کار می‌رود. سبک زندگی را می‌توان بر اساس اینکه افراد، زمان و درآمد خود را چگونه هزینه می‌کنند یا صرف چه اموری می‌نمایند، بررسی نمود. چگونگی زندگی، به سبک زندگی بازمی‌گردد (فاضلی، ۱۳۸۵، صص. ۲۴-۲۲).

از منظر دیگر، اگر بخواهیم به مفهوم سبک زندگی در ادبیات علم جامعه‌شناسی بپردازیم، می‌توانیم دو برداشت متفاوت داشته باشیم. در ابتدا، سبک زندگی نمایانگر موقعیت اجتماعی و ثروت افراد یک جامعه برای تعیین طبقه اجتماعی محسوب می‌شود. در برداشت دوم، سبک زندگی به شکل اجتماعی جدیدی اشاره می‌کند که خود را به صورت خاص در تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی نشان می‌دهد. در مفهوم دوم، سبک زندگی درواقع راهی است که تعریف ارزش‌ها و رفتارهای افراد را در خود بروز می‌دهد که برای تحلیل‌های امروز اجتماعی مناسب است. گسترش مفهومی رواج سبک زندگی در میان مفاهیم مختلف حوزه جامعه‌شناسی عمدتاً به این خاطر است که سنخ‌شناسی‌ها و دسته‌بندی‌های موجود نمی‌توانند گوناگونی و تنوع دنیای اجتماعی را توضیح دهند (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۱، صص. ۲۲-۲۳).

۲-۱. سبک زندگی و فرهنگ

سبک زندگی، نشان دهنده بخشی از فرهنگ است که نقش مهمی در زندگی مردم جامعه ایفا می کند که ارتباط خود را با فرهنگ کاملاً حفظ کرده است و با موضوعات مهمی همچون هویت فردی و اجتماعی و فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب با ایجاد حس آزادی پیوند می خورد؛ همچون مسائلی که بخشی از وجوه بنیادی انسان را بیان می کند. برخی جامعه شناسان معتقدند که سبک زندگی مهم ترین راه شناخت خودی از بیگانه در میان مردم است که در جوامع امروزی خود را بیشتر نشان می دهد. تنوع فرهنگی از یک سو و تغییرات پی درپی فرهنگ اشخاص که جامعه را به سمت خرده فرهنگ های مستقل می برد، موجب شده است که سبک زندگی اهمیت بیشتری پیدا کند (کاویانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۳). یکی از وجوه اهمیت سبک زندگی آن است که پایین ترین سطوح و لایه های فرهنگ زندگی را به وسیع ترین و عمیق ترین لایه های آن پیوند می دهد (کاویانی، ۱۳۹۱، صص. ۳۵-۳۴).

سبک زندگی در زمان حاضر ارتباط معناداری با هویت اجتماعی دارد و از این منظر بدون چهارچوب های مشخص که تفاوت ها و شباهت ها را آشکار سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباط پایدار و معناداری را در میان خود نخواهند داشت (رحمت آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵، صص. ۲۴۰-۲۳۸). در این میان، مفهوم سبک زندگی نیز در گذر زمان دچار تغییر می شود و خود را به عنوان شاخص سنجش طبقه اجتماعی نشان می دهد و موجب شده است که اصطلاح سبک زندگی به عنوان جایگزین مفهوم طبقه اجتماعی که نشان دهنده هویت اجتماعی افراد است، در علم جامعه شناسی خود را بروز دهد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱، صص. ۱۰-۷). زیمیل از بزرگان علم جامعه شناسی زندگی را کل به هم پیوسته ای از صورت های مختلف بیان می کند که افراد یک اجتماع بنابر انگیزه های درونی و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن بین شخصیت ذهنی خود و زیست محیطی عینی و انسانی خویش به انجام می رسانند، برای خود انتخاب می کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۵۲).

۲-۲. سبک زندگی و هویت

هویت از دیگر مفاهیمی است که با سبک زندگی ارتباط تنگاتنگ دارد. در زندگی مدرن امروزه انتخاب سبک زندگی صحیح در ایجاد هویت شخصی اهمیت پیدا می کند (گیدنز،

۱۳۷۸، صص. ۸۲-۸۱). بوردیو از دانشمندان علوم اجتماعی، سبک زندگی را فعالیت نظام‌مندی بیان می‌کند که از سلیقه و ذوق فرد برمی‌خیزد و بیشتر نمود خارجی و عینی دارد. سبک زندگی به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و در میان قشرهای گوناگون جامعه تمایز و تفاوت ایجاد می‌کند (کاویانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۴). هویت شخصی، نوعی خصوصیت متفاوت از دیگر خودهای متمایز نیست که در اختیار فرد باشد؛ بلکه هویت شخصی همان خود است که شخص درباره آن تأمل می‌کند و آن را به عنوان بازتاب زندگی‌نامه خود مورد پذیرش قرار می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۸، صص. ۸۲-۸۱).

از نظر گیدنز، فردی که ثبات منسجم و معقولی را در هویت شخصی خود احساس می‌کند و زندگی صحیحی دارد، به شکل شایسته و مناسب می‌تواند با دیگران در تعامل باشد. هویت هر شخص را نه در رفتار او و نه در واکنش‌های دیگران به او می‌شود یافت؛ بلکه در توانایی و قدرت او برای حفظ و ادامه روایت مشخص از زندگی می‌توان جستجو کرد. این اندیشمند علم جامعه‌شناسی معتقد است که در دنیای مدرن امروزه پرسش از چطور زندگی کردن را باید با تصمیم‌گیری‌های روزمره در زندگی پاسخی منطقی داد و در پایان نیز آن را باید از هویت شخصی خود گذراند و در بیرون از مجموعه فردی و اجتماعی عرضه داشت (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۸۴). از نظر گیدنز، انتخاب سبک زندگی با هویت اشخاص ارتباط منسجم و دقیق دارد؛ چراکه در دنیای مدرن فرد با انواعی از انتخاب‌ها روبروست و به ناچار باید گزینش کند که اینجا همان سبک زندگی مطرح می‌شود. سبک زندگی در اصل، روایتی خاص را که فرد برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران تجسم می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۲).

۳-۲. مصادیق سبک زندگی

سبک زندگی با همه خصایص و ویژگی‌های مشترک با مفاهیم دیگر همچون هویت و فرهنگ، ابعاد خاص خود را دارد و آن، گزینشی بودن عنصرها و اجزای سبک زندگی و درعین حال خلاقانه بودن آن است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۵۸). سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهاست که فرد آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهد تا نیازهای جاری خود را برطرف سازد و روایت خاصی که برای هویت شخصی خود مورد پذیرش قرار داده است، در برابر

دیگران مجسم سازد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص. ۷۵-۷۳). سبک زندگی محدوده‌ای فراتر از ابعاد مادی، معنوی، فردی و اجتماعی دارد و همه حوزه‌های رفتاری بشر همچون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود. همچنین سبک زندگی به جزء رفتارها خود را نشان نمی‌دهد؛ بلکه به صورت کلی و بر مجموعه‌ای از رفتارها دلالت دارد. سبک زندگی در پیرامون، محوری از گرایش‌های مختلف خود را شکل می‌دهد و عبارت است از الگوی همگرا یا مجموعه منظم از رفتارهای بیرونی و درونی که وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر اساس آن بخشی از تمایل و سلیقه‌ها را در تعامل با شرایط محیطی خود انتخاب و ابداع می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۷۸).

شناخت عناصر و مصادیق سبک زندگی به ما کمک می‌کند که به درک بهتر و عینی‌تر از آن دست پیدا کنیم. گیدنز در ارتباط با مؤلفه سبک زندگی به بدن توجهی خاص دارد. او معتقد است که بدن، جایگاه خاص خود و هویت شخصی فرد را نشان می‌دهد. از نظر وی، کنترل بدن از نوعی سازمان‌دهی اجتماعی و فرهنگی پیروی خاصی دارد که آن را می‌توان در ارتباط با رژیم غذایی، امور جنسی و همچنین پوشاک در نظر داشت. بر اساس دیدگاه گیدنز، آراستن و پرداختن به بدن، خوراک، پوشاک، کار و فراغت از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در سبک زندگی هستند (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۹۱).

مؤلفه‌های سبک زندگی را می‌توان در آثار دیگر بزرگان جامعه‌شناسی برشمرد. چاپلین اصول اصلی خود را در ارتباط با مصادیق سبک زندگی به بررسی محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق، زندگی و دیگر موارد مرتبط با مکان زندگی بیان می‌کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۵۹؛ کاویانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶). برلسون و استینز دیگر مصادیق سبک زندگی را در اوقات فراغت، هنر و روش مصرف دارایی مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین مواردی مانند رسیدگی به وضع ظاهری، لباس، آداب معاشرت و گفتگو، سلیقه زیباشناختی و استفاده از سرگرمی‌های تفریحی، ورزشی و خوردنی‌ها می‌تواند از مظاهر و مصادیق سبک زندگی باشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص. ۶۰). سگالن از دیگر جامعه‌شناسان بزرگ به مواردی همچون اشتغال، معاشرت، ارتباط جمعی و مکان به عنوان مسکن زندگی به مثابه موارد سبک زندگی تأکید دارد (ر.ک. به: سگالن، ۱۳۷۰، صص. ۲۵۹-۸۴).

به نظر می‌رسد که با مطالعه موارد متعددی که بزرگان جامعه‌شناسی در ارتباط با سبک زندگی بیان کرده‌اند می‌توان به این نتیجه رسید که مؤلفه‌هایی مانند مسکن، شغل، خودآرایی و آرایش، چگونگی استفاده از اوقات فراغت و شرکت در مراسم‌های مذهبی را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های ویژه و اساسی در سبک زندگی ایرانی دانست. سبک زندگی ایرانی-اسلامی به مجموعه رفتارهایی گفته می‌شود که فرد با هویت ایرانی و مذهب اسلام از خود بروز می‌دهد تا نیازهای روزمره و جاری خود را برطرف سازد. به این منظور، می‌توان مؤلفه‌های متعددی را در سبک زندگی ایرانی-اسلامی برای زنان ایرانی دوره قاجار برشمرد. مسکن به‌عنوان محل زندگی، فضای داخلی، چیدمان و تزئینات آن می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. آراستن خود همچون پوشاک، زینت و پیروی از مد لباس را می‌توان از دیگر موارد مؤلفه سبک زندگی قلمداد کرد. توجه به انجام مراسم دینی، ملی، محلی و همچنین گذراندن اوقات فراغت و تفریح و برخورداری از حضور در امور اقتصادی می‌تواند از دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی زن ایرانی در دوره قاجار باشد که در منابع گوناگون آمده است.

۲. مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی زن ایرانی در دوره قاجار

ایران دوره قاجار، دوره گذار از دوران سنتی به دوره مدرن به شمار می‌رود که تحولات بنیادین و اساسی در زندگی فردی و جمعی جامعه ایرانی رخ می‌دهد و بسیاری از مفاهیم مدرنیته جای خود را در سرزمین ایران باز می‌کند. سفرهای متعدد شاهان قاجار به اروپا و بازگشت تحصیل کرده‌های ایرانی از آنجا و همچنین رفت و آمد سفرنامه‌نویسان متعدد و متنوع خارجی به ایران موجب شد که بسیاری از خرده‌فرهنگ‌های غربی مورد توجه قرار گیرد و در پی آن، وسایل و ملزومات مدرنیته وارد ایران شود. رویکرد جدید با حضور سیاحان بیگانه بیشتر مورد توجه قرار گرفت و سبب آن شد که فرهنگ ایرانی در بوته نقد بیگانگان قرار گیرد.

عموماً در سفرنامه‌ها به زنان دوره قاجار کمتر اشاره شده است و پرداختن به مسائل زنان در این دوره ازجمله مسائلی بود که سیاحان اروپایی به‌شدت به آن علاقه نشان می‌دادند. آن‌ها همچنین با کنجکاوی به بررسی پیرامون زندگی زنان در این دوره می‌پرداختند که این را می‌توان در متون آن‌ها مشاهده کرد. بتان ازجمله سفرنامه‌نویسان فرانسوی در دوره قاجار،

زمانی که نتوانسته بود زنان شهرنشین و اربابی را در منازلشان ببیند، این گونه در اثر خود اشاره می‌کند که «در این مدت نتوانستم حتی یک‌بار داخل منازلی را که دعوت می‌شدم ببینم. زنان از پس پرده مرا تماشا می‌کردند؛ ولی من هیچ‌کدام را نتوانستم ببینم» (بنتان، ۱۳۵۴، ص. ۱۰۸). این موضوع و نگاه، سیاحان اروپایی را به این روایت‌های غیرواقعی و ماجراجویانه نیز سوق داده بود. به گونه‌ای که کلود آنه در سفرنامه خود اشاره می‌کند که «خوشبختانه گاهی که در پشت‌بام منزل قدم می‌زدم زنی را در حیاط منزلش میدیدم؛ ولی این در صورتی بود که نگرهبانش حضور نداشت و گرنه فوراً او را مجبور می‌کرد داخل منزل شود و گاه او را با ترکه میزد» (آنه، ۱۳۷۰، ص. ۱۶۳).

در این دوران زن ایرانی به جهت حضور و تأثیرگذاری در خانه مورد توجه سفرنامه‌نویسان بیگانه قرار گرفت و جزئیات متعددی از سبک زندگی ایرانی-اسلامی او مورد واکاوی و توجه قرار گرفته است که در ادامه به صورت مبسوط به آن خواهیم پرداخت.

۱-۲. اشتغال و فعالیت اقتصادی

از آنجاکه زن در دوره قاجار محدود به خانه بوده است، در زمینه اشتغال فرصت‌های بسیار کمی برای حضور در جامعه داشته است. عموماً زنان دوره قاجار براساس رتبه اجتماعی و سکونت در شهر، روستا یا مناطق عشایری از اشتغالاتی برخوردار بودند. زنان شهری به‌ویژه از طبقه مرفه اجتماعی عمدتاً به کار به‌عنوان مسئله‌ای حقارت آمیز نگاه می‌کردند و کار کردن را حقیر و پست به حساب می‌آوردند و در محیط خانواده تلاش اقتصادی انجام نمی‌دادند. آن‌ها عموماً تمام وقت خود را به سرگرمی‌های روزمره و ارتباط با سایر زنان در محیط‌های اجتماعی می‌گذراندند، به گونه‌ای که با مشاهده زنان بیگانه که به فعالیتی مشغول بودند از آن‌ها می‌پرسیدند: مگر فقیر هستید که کار می‌کنید؟ (دیولافوا، بی‌تا، ص. ۱۹۴).

زنان طبقه مرفه و اعیان عمدتاً وقت خود را به قلیان کشیدن، دیدوبازدید، حمام رفتن و خوردن شیرینی و میوه گذرانده و به‌ندرت امکان‌پذیر بود که آن‌ها به خواندن کتاب یا نوشتن نامه دیده شوند (بولاک، ۱۳۶۸، ص. ۱۵۷). شیل از جمله سیاحان غربی به این نکته اشاره می‌کند که کار را به‌عنوان عامل تحقیر زنان ایرانی نگاه می‌کردند و حتی آن را در میان خدمتکاران ایرانی می‌توان مشاهده کرد. آن‌ها با دیدن کارهای گلدوزی که انجام می‌دادند، این امور را

خارج از شأن و جایگاه خود می‌دانستند (شیل، ۱۳۶۲، صص. ۲۰۶-۲۰۷). در این میان، برخی از اشتغالاتی که جنبه سرگرمی هم داشت در میان طبقه اعیان و اشراف به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که زمانی که می‌خواستند برای دیدن کسی بروند، سعی می‌کردند مقداری شیرینی دست‌پخت خود یا مربا به همراه ببرند (سرنا، ۱۳۶۳، صص. ۷۲-۷۳). وضعیت طبقه ضعیف شهری متفاوت است و آن‌ها سعی می‌کردند که به امور روزمره منزل خود در ساعات شبانه‌روز بپردازند. عمده کار زنان طبقه ضعیف شهری پشم‌ریسی بود که از نخ آن فرش، جوراب و محفظه روی اسب می‌بافتند (بولاک، ۱۳۶۸، ص. ۱۵۷).

زنان روستایی که در دوره قاجار زندگی می‌کردند، عمدتاً تمام روز مشغول به کار بودند و امور مربوط به خانه را انجام می‌دادند که شامل مراقبت از کودکان، پخت غذا، نگهداری از گوسفندها و گاوها و تهیه ماست و کره از شیر آن‌ها و در اوقات بیکاری هم به پشم‌ریسی مشغول می‌شدند. آن‌ها همچنین از مدفوع چهارپایان تاپاله درست می‌کردند که به جای هیزم برای گرمایش منزل استفاده می‌شد (اولیویه، ۱۳۷۱، ص. ۸۵). زنان همچنین به امور مزرعه و انجام کشاورزی مشغول می‌شدند. کار مردان موسمی و گهگاهی است، درحالی که کار زنان دائمی و وقفه‌ناپذیر است (فریزر، ۱۳۶۴، ج ۱، صص. ۴۵۵-۴۵۶). رایس که از مناطق شمالی ایران بازدید کرده است، اشاره می‌کند که زنان این منطقه را در حال نشاندن نشاهای برنج در برنج‌زارها دیده است که به اندازه یک‌پا در محل پر از آب بوده است و همچنین زنان در درو هم مشارکت داشته‌اند (رایس، ۱۳۶۶، ص. ۴۶). عموماً کارهای مرتبط با کشت برنج بر عهده زنان بود. آن‌ها پس از نشاء، همه‌روزه علف‌ها را از ریشه درمی‌آوردند. زمانی که محصول رسید، باید زن شلتوک را بکوبد و پاک کند تا برنج به دست آید. برای این کار شلتوک را در هاونی می‌ریختند و اهرمی که در سر آن قطعه چوب بزرگی قرار دارد به حرکت درمی‌آوردند و شلتوک را می‌کوبیدند (نیکیتین، ۱۳۵۶، صص. ۱۳۵-۱۳۴).

قالی‌بافی از دیگر اقداماتی بود که زنان روستایی انجام می‌دادند. آن‌ها درحالی که دستگاه‌های قالی در حیاط یا ایوان خانه نصب می‌شد، اقدام به قالیبافی می‌کردند. پشم گوسفندان را می‌شستند و به صورت چرخشی رنگ می‌کردند که این کار به وسیله انار، پوست گردو و ریشه روناس و پوست پیاز انجام می‌شد. رونق فرش‌بافی در دوره قاجار تحت تأثیر عوامل متعددی بود که در ابتدا بهای اندک مزد نیروی انسانی آن قابل توجه است. از آنجا که عمدتاً فرش

این دوره را زنان و کودکان به صورت خانگی می‌بافتند؛ از لحاظ دستمزد توقع کمتری برای پرداخت دستمزد داشتند (سیف، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۱). سودآوری قالی‌بافی از این منظر به دلیل بالا بودن سطح فناوری آن نبود؛ بلکه به دلیل همین پایین بودن مقدار مزد پرداختی بود که آن‌ها به‌واقع ناشی از سوءاستفاده از نیروی کار کودکان و زنان بود که بعضاً عوارض جبران‌ناپذیری بر زندگی آن‌ها نیز می‌گذاشت (دهقان‌زاد، ۱۳۹۸، ص. ۲۶۴).

زنان روستایی در کنار کارهای مربوط به کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی با آسیاب کردن گندم به پخت نان هم مشغول می‌شدند. حضور تمام‌وقت زنان در عرصه کار و فعالیت، نشان‌دهنده نقش مهم اقتصادی آن‌ها در خانوارهای روستایی بوده است. در میان زنان چادرنشین نیز همین وضعیت وجود داشت و بیشترین مسئولیت زندگی خانوادگی را بر عهده داشتند. از جمله کارهای تقریباً مشترک در میان زنان روستایی و عشایری، قالی‌بافی بود. آن‌ها در کارگاه‌هایی که بی‌بی‌ها برپا می‌کردند به قالی‌بافی مشغول می‌شدند. کارگاه‌ها در حیاط خانه و یا اتاق بی‌بی‌ها قرار داشت و تهیه ملزومات و سایل قالی از جمله چیدن پشم، رنگ آمیزی و شستشوی نخ‌ها زیر نظر بی‌بی انجام می‌گرفت. مدت زمانی که برای بافت یک تخته فرش به طول می‌انجامید، شش ماه بود و دستمزد کارگردان به میزان زیادی به رضایت بی‌بی‌ها برمی‌گشت (مکین روز، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۰).

زن عشایر عمدتاً در چادرها گلیم‌هایی را به صورت سیاه و خشن برای سقف محلی که در آن زندگی می‌کردند می‌بافتند و همچنین با نی‌های زرد رنگ حصیرهایی را برای دیوارهای چادر به هم متصل می‌کردند و به جهت اینکه ممکن بود محل سکونت آن‌ها مورد تهدید قرار گیرد، در مدت کوتاه و با سرعت این کار را انجام می‌دادند (بل، ۱۳۶۳، صص. ۵۷-۵۸). زنان در ایلات، علاوه بر آنکه به امور خانه مشغول بودند، در موقع حرکت کردن گوسفندان و گله نیز به بچه‌ها و پیرمردان هم کمک می‌کردند (ملکم، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۵۳).

فعالیت اقتصادی زنان محیط ایل همچون بختیاری بسیار قابل توجه‌تر است. فعالیت دامداری و جابجایی و کوچ عشایر و همچنین تولید فرآورده‌های دامی از جمله ملزومات اقدامات و فعالیت زن عشایر است. مکین روز، زنان عشایر را ستون فقرات و محور اصلی تلاش و کوشش در ایل بختیاری دانسته است (مکین روز، ۱۳۷۳، ص. ۹۳) که در صورت حذف این عنصر تولیدی، نظام تولیدی عشایر موازنه خود را از دست می‌دهد. لیدی شیل از سیاحان این دوره

اشاره می‌کند که وضعیت زندگی زنان بختیاری در مقایسه با زنان شهری مطلوب‌تر است (شیل، ۱۳۶۲، صص. ۶۵-۶۳).

زن بختیاری علاوه بر خانه‌داری و تربیت فرزندان، در دوشیدن شیر گوسفندان، خمیر کردن، حمل آب، دوغ زدن و درست کردن لبنیات همچون پنیر، کره، کشک، روغن و ماست و پخت نان، رنگریزی، بافت قالی، قالیچه، دباغی، برزگری و صنایع دستی و بلوط چینی دارای تبحر بودند (دالمانی، ۱۳۳۵، ص. ۳۸؛ بنجامین، ۱۳۶۹، ص. ۱۹۲؛ کوپر، ۱۳۳۴، ص. ۵۳؛ دروویل، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۶). آنان در سپیده‌دم از خواب برمی‌خاستند و در تمام روز به بافندگی مشغول بودند و شب‌ها هم کره‌ای که از دوغ جدا می‌کردند در دیگ‌های بزرگ می‌جوشانند و به روغن تبدیل می‌کردند. زنان غیر از عبا و نمد، تمام لباس‌های خود، شوهر و بچه‌ها را می‌دوختند و همچنین در تخلیه اثاثیه منزل و مراقبت از گله‌ها و بالا بردن چادرها و سایر اقدامات به شوهران خود کمک می‌کردند (بیشوپ، ۱۳۷۵، ص. ۲۲۰).

زن ایل بختیاری بافندگی را از دوران جوانی و خانواده پدری خود آموخته است. رسیدن نخ که از مراحل اولیه بافندگی محسوب می‌شد، از هنرهای زن بختیاری است. بافتن قالی، قالیچه، خورجین و پوشیدن چادر، تسمه‌های پشمی نقش‌دار و رنگارنگ، جاجیم، گلیم و چوقا که بالاپوش مردان است همه به عهده زنان است (دوبد، ۱۳۶۲، ص. ۱۵۴؛ راولینسون، ۱۳۶۲، ص. ۱۵۴؛ ماسهارو، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۶). تهیه مشک آب و مشک، تهیه کره به وسیله زنان بختیاری و با پوست بز و گوسفند صورت می‌گرفت (روششوار، ۱۳۷۸، ص. ۹۰؛ شهشانی، ۱۳۶۶، ص. ۱۸۵). فن سبدبافی، قلاب‌دوزی و روبنده‌دوزی نیز در میان زنان این دوره رایج بود (دیگار، ۱۳۶۶، ص. ۱۸۴؛ بهلر، ۱۳۵۶، ص. ۳). زنان ایل و همچنین بی‌بی‌ها در سرپرستی امور اقتصادی و مدیریت فعالیت‌های ایل بی‌نظیر بودند، به گونه‌ای که مکن روز اشاره می‌کند که مدیریت و سرپرستی زنان واقعاً شگفت‌انگیز است. عایدات و درآمد املاک چهارمحال هیچ‌گاه به پایه امروزی نرسیده است. علاقه از طرف زن‌ها به امور کشاورزی و اصلاح بذر مورد توجه بود و به همین دلیل گزارش‌هایی از کاشت انواع بذرهای مختلف از نقاط دوردست دریافت می‌گردید (مکن روز، ۱۳۷۳، ص. ۹۸).

۲-۲. اوقات فراغت و سرگرمی

اوقات فراغت و سرگرمی از جمله نمونه‌های سبک زندگی زن ایرانی در دوره قاجار است. زنان برای خرید کردن عموماً از خانه خارج می‌شدند و ساعت‌ها در بازار از دکانی به دکان دیگر در حال رفت و آمد بودند که به شکلی برای آن‌ها سرگرمی محسوب می‌شد. البته حضور زنان و رفت و آمد آن‌ها به بازار به همراه نوکرها بوده است تا از آن‌ها مراقبت کنند و وسایل موردنیاز آن‌ها را جابجا کنند. در این ارتباط گرتروود بل از سیاحان اشاره می‌کند: «هرچه بیشتر در شهر قزوین پیش می‌رفتیم، خیابان‌ها باریک‌تر و پرجمعیت‌تر می‌شد. پر از مردان عبا بدوش و زنان چادرپوش که در جلوی دکان‌ها مشغول خرید و فروش، میوه خوردن و گپ زدن بودند» (بل، ۱۳۶۳، ص. ۸۸).

زن‌ها به‌ندرت به تنهایی به بازار می‌رفتند و احتمال دارد اجناس خاصی همچون پارچه شلواری را خود تنهایی بخرند. تعداد زیادی از مغازه‌هایی که زنان به آن‌ها مراجعه می‌کردند، در اصطلاح در کاروان‌سراها قرار داشت. محوطه‌هایی بزرگ و باز که دری به‌سوی بازار دارند و در آنجا تاجرانی حجره داشتند که اجناس خاص مورد علاقه زنان را می‌فروختند. عموماً کالسکه‌هایی در در ورودی کاروان‌سراها قرار داشت که خواجه‌هایی در محل ویژه کالسکه‌چی نشسته بودند. تعدادی زن با حجاب کامل در حال گفتگو و خنده از آن پیاده می‌شدند و با شتاب به مغازه‌ها ورود پیدا می‌کردند. آن‌ها کف مغازه‌ها می‌نشستند و بهای اجناس مختلفی که در معرض فروش قرار داشت را می‌پرسیدند. چانه زدن اغلب در زمان پرداخت وجه صورت می‌گرفت که بی‌مشکل هم نبود (رایس، ۱۳۶۶، ص. ۱۵۱).

دوگوبینو معتقد است که اگر مهمانی‌ها، زیارت‌ها و گردش‌های بازار را کنار بگذاریم، زنان ایرانی هر وقت دلشان بخواهد از خانه خارج می‌شدند (دوگوبینو، ۱۳۶۷، ص. ۴۰۹). طبقه ثروتمند زنان در تمام عمر به کارهای تفریح و خوش‌گذرانی همچون شکار و حضور در مجالس شادی و بزم مشغول بودند. دالمانی از دیگر سیاحان نیز در این ارتباط می‌نویسد: «مشغله زنان شهری متمول شهرنشین چیزی نیست که قابل ذکر باشد. فقط گاهی برای گذراندن وقت، اقسام شیرینی برای منزل تهیه می‌کردند و سایر اوقات خود را صرف کشیدن قلیان می‌نمودند» (دالمانی، ۱۳۳۵، ص. ۳۱۸). «برخی به‌صورت مداوم آجیل و تخم خربزه می‌خوردند و بیشتر ساعات روز قوری را روی منقل می‌گذارند و ظاهراً هرچه جای بیشتر دم می‌کشید، بیشتر آن

را می‌پسندیدند» (رایس، ۱۳۶۶، ص. ۱۵۵). «زنان طبقه مرفه عموماً افراد باسواد بودند که با شعر و ادب آشنایی داشتند» (شیل، ۱۳۶۲، ص. ۸۹).

زنان طبقه متوسط عموماً به‌صورت ناشناس و به‌تنهایی به بازار و نزد طیب می‌رفتند؛ ولی زنان ثروتمند با اسب و همراه باخدمه به دید و بازدید بازار مشغول می‌شدند. طبقه فقیر نیز از کوچک‌ترین فرصت برای تفریح برخوردار بودند. آن‌ها عموماً در روز جمعه که بازارها و مغازه‌ها تعطیل می‌شد به همراه همسر و فرزندان خود با خوردن تنقلات و آجیل به باغ‌های خارج از شهر می‌رفتند و تا غروب در آنجا به خوش گذرانی مشغول می‌شدند (دوگوبینو، بی‌تا، ص. ۶۱؛ رایس، ۱۳۶۶، صص. ۱۵۸-۱۵۷). حمام رفتن از دیگر تفریحات زنان ایرانی در دوره قاجار به شمار می‌رفت. عموماً ثروتمندان در حیاط خانه خود دارای حمام‌های کامل بودند و حمام‌های خانه‌ها و حمام‌های خصوصی تنها در خانه ثروتمندان وجود داشت و بقیه مردم معمولاً به گرمابه عمومی می‌رفتند (اولیویه، ۱۳۷۱، ص. ۸۵).

از دیگر تفریحات زنان دوره قاجار مسافرت رفتن بوده است که عموماً آن را با کجاوه انجام می‌دادند. کجاوه را بر پشت قاطر می‌بستند و زنان در آن می‌نشستند که مختص زنان ثروتمند و شهری بوده است. زنان خدمتکار و دهقان بر اسب و الاغ سوار می‌شدند (دالمانی، ۱۳۳۵، ص. ۳۲۲) دید و بازدیدهایی که زنان در مراسم‌های ازدواج، تولد، جشن‌های عمومی و خصوصی داشتند، از دیگر ابعاد اوقات فراغت آن‌ها به حساب می‌آمد (دوگوبینو، ۱۳۶۷، ص. ۴۰۸).

۳-۲. اعتقادات و حضور در مناسک مذهبی

اعتقادات و باورهای مذهبی زنان در سفرنامه‌های خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. اعتقادات زنان این دوره عموماً با خرافه همراه بوده است. مکین روز که اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار ما قرار می‌دهد، اشاره می‌کند که زنان بختیاری به‌ندرت نماز یا قرآن می‌خواندند؛ اما به این معنا نبود که آن‌ها نسبت به اعتقادات مذهبی بی‌تفاوت باشند. آن‌ها آیاتی از قرآن را در قاب کوچک جواهرنشانی قرار می‌دادند (مکین روز، ۱۳۷۳، ص. ۷۷). همچنین بی‌بی‌ها به‌عنوان زنان بزرگ‌تر ایل آرزوی تشرف به مکه معظمه را داشتند که در این میان کسب عنوان حاجیه خانم و علاقه به جهانگردی و مسافرت در داشتن چنین آرزویی بی‌تأثیر نبوده است (مکین

روز، ۱۳۷۳، صص. ۸۱-۸۰). رفتن به حج تنها سفری بوده است که زن بختیاری اجازه داشت از محدوده وطن خود حدود یک سال دور شود؛ از این رو آن‌ها همچنان بی‌وصفی برای این سفر داشتند و سال‌ها برای آن پول ذخیره می‌کردند که پس از بازگشت از آن، از مزایای عنوان حاجیه بی‌بی نیز بهره‌مند شوند (رایس، ۱۳۶۶، ص. ۶۵).

رفتن به زیارت امامزادگان از دیگر علایق و سرگرمی‌های زنان شهری و روستایی دوره قاجار بود. زن‌ها عموماً عصرهای پنجشنبه را به زیارت بقاع خارج شهر می‌رفتند و یا با سر زدن به قبور خویشاوندان می‌توانستند تا حد زیادی اوقات خود را بگذرانند (بولاک، ۱۳۶۸، ص. ۱۵۸؛ شیل، ۱۳۶۲، ص. ۸۹). زنان دوره قاجار در مراسم‌های عزاداری ماه محرم مشارکتی فعال داشتند و علاقه فراوانی به شرکت در عزاداری این ماه و مشاهده تعزیه از خود نشان می‌دادند. شیل از سیاحان این دوره اشاره می‌کند که در هنگام نمایش تعزیه تلاش زن‌ها برای پیدا کردن جای مناسب دیدنی بود. این کار فقط با فریاد و داد تمام نمی‌شد؛ بلکه بعضی از آن‌ها پس از مدتی اغلب به جان هم می‌افتادند و با کتک کاری و کوفتن لنگه کفش به سر و صورت یکدیگر سعی در پیدا کردن جای مناسب داشتند که در نهایت به پاره کردن چادر نیز منتهی می‌شد (شیل، ۱۳۶۲، ص. ۶۹).

توجه به امور مذهبی، زیارت قبور ائمه و امامزادگان و همچنین رفتن به مراسم حج از جمله دیگر اموری است که بانوان حرمسرا انجام می‌دادند تا با محیط بیرون ارتباط برقرار کنند و برای آن‌ها سرگرمی محسوب می‌شد که رفت و آمد آن‌ها عموماً با تخت روان انجام می‌شد (درووئل، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۹). هرچند که فلاندن زنان حاضر در حرمسرا را بدون آگاهی اجتماعی می‌داند که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد (فلاندن، ۱۳۵۶، ص. ۶۷). حجاب زنان در مناسک مذهبی مورد توجه سفرنامه‌نویسان بوده است؛ به گونه‌ای که بنجامین، حجاب زنان را ستایش می‌کند و آن را سبب امنیت و آسایش آن‌ها می‌داند؛ زیرا چادر و روبند از منظر وی سبب می‌شود که زن مستور شود و بدون اینکه کسی معترض او شود، به هرجایی برود (بنجامین، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در خلال سفرنامه‌های دوره قاجار در ارتباط با سبک زندگی ایرانی-اسلامی زنان این دوره بررسی شد، می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت اجتماعی زنان با توجه به حضور آن‌ها در روستا، شهر و ایل متفاوت از یکدیگر بوده است. هر کدام به نسبت آزادی عمل و برخورداری از رفاه نسبی در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و مذهبی جامعه عصر قاجار مشارکت داشته‌اند. از منظر سفرنامه‌نویسان، حضور زنان در جامعه دوره قاجار همراه با حفظ حریم او بوده است و تلاش می‌شده است تا از نگاه مردان نامحرم به دور باشد؛ ولیکن این به معنای آن نیست که نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی کم‌رنگ بوده است. اشتغال زن در این دوره عمدتاً صرف برطرف کردن نیازهای اولیه و همکاری در زمینه کشاورزی و دامپروری بوده است. زنان حاضر در ایلات زمان بیشتری را صرف روزمرگی‌های داخلی و کمک به بهبود زندگی جمعی می‌کرده‌اند.

زن دوره قاجار توانست با حفظ حرمت و شأن خود و با حضور در محافل زنانه به تفریحات و خوش‌گذرانی‌های معمول از جمله خرید در بازار، دورهمی‌ها و رفتن به زیارت امامزادگان و حج نیز مشغول باشد. مناسک و اعتقادات مذهبی به شدت مورد توجه زنان این دوره بوده است که به حضور زنان در مناسک مذهبی گوناگون همچون تعزیه در سفرنامه‌ها پرداخته شده است. البته گزارش سیاحان غربی با وجود نکته‌های ریز و دقیق، خالی از ایراد نیز نیست؛ زیرا این سفرنامه‌نویسان تا حد زیادی نوشته‌های خود را بر دیده‌ها و شنیده‌ها متمرکز نکرده‌اند؛ بلکه برداشت‌های ذهنی و فکری آن‌ها در میان گزارش‌هایشان انعکاس داشته است؛ از این رو نمی‌توان با قاطعیت به همه داده‌های سیاحان درباره سبک زندگی ایرانی-اسلامی زن دوره قاجار اطمینان و اعتماد کامل داشت.

منابع

- آنه، کلود (۱۳۷۰). گل‌های سرخ اصفهان؛ ایران‌دیو با اتومبیل. ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: نشر روایت.
- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ۲۰ (۱)، ۳-۲۷.
https://jnoe.ut.ac.ir/article_10507.html
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه. تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار. ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بل، گرتروود (۱۳۶۳). تصویرهایی از ایران. ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بنتان، آگوست (۱۳۵۴). سفرنامه بن تان. ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه، تهران: انتشارات سپهر.
- بنجامین، اس. جی. دبلیو (۱۳۶۹). ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه. ترجمه محمدحسین کرد بچه، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
- بولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بهلر، الکساندر (۱۳۵۶). سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار). به کوشش علی اکبر خداپرست، تهران: نشر توس.
- پناهی، عباس و محمد زاده، اسدالله (۱۳۹۵). تصویر زن ایرانی در سفرنامه‌های فرانسویان از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه بر اساس نظریه بازنمایی استوارت هال. فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۷ (۲۷)، ۱-۲۴.
https://www.chistorys.ir/article_205314.html
- خواجه‌نوری، بیژن، هاشمی، سمیه و روحانی، علی (۱۳۸۹). سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز). فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱ (۴۴)، ۱۲۷-۱۵۲.
[doi: 20.1001.1.1735059.1389.11.44.6.1](https://doi.org/10.1001.1.1735059.1389.11.44.6.1)

- بیشوپ، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مهراب امیری، تهران: انتشارات انزان.
 - دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - دروویل، گاسپار (۱۳۸۷). *سفرنامه دروویل*. ترجمه جواد محبی، تهران: انتشارات گوتنبرگ، چاپ دوم.
 - دو روششوار، ژولین (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مهران توکلی، تهران: نشر نی.
 - دوید، بارون کلمنت آگوستوس (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - دو گوینو، ژوزف آرنور کنت دو (۱۳۶۷). *سفرنامه کنت دو گوینو: سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات کتابسرا.
 - دو گوینو، ژوزف آرنور کنت دو (بی‌تا). *سه سال در ایران*. ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات فرخی.
 - دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۹۸). *علل توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران در دوره قاجار*. اصفهان: انتشارات نگارخانه، چاپ دوم.
 - دیگار، ژان پی‌یر (۱۳۶۶). *فنون کوچ‌نشینان بختیاری*. ترجمه اصغر کریمی، تهران: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 - دیولافوا، مادام ژان (بی‌تا). *ایران، کلد و شوش*. ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات قصه‌پرداز.
 - راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*. ترجمه سکندر امان‌اللهی، تهران: نشر آگاه.
 - رایس، کلارا کولیور (۱۳۶۶). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان/ سفرنامه کلارا کولیور رایس*. ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 - ربانی‌زاده، سید محمدرحیم، زندیه، حسن و خورج، مرضیه (۱۳۹۴). *بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری بر اساس سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار*.
- پژوهشنامه زنان، ۱۳ (۳)، ۶۳-۸۰ https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_1850.html

- رحمت‌آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۲۰)، ۲۳۵-۲۵۳. <https://refahj.uswr.ac.ir>
- سرنا، مادام کارلا (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران. ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه محمد الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سیف، احمد (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: نشر چشمه.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۶۶). چهار فصل آفتاب؛ زندگی روزمره زنان عشایر اسکان‌یافته ممسنی. تهران: انتشارات توس.
- شیل، مری لئو نورا (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). انقلاب در سبک زندگی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۹(۴)، ۲۲-۳۱. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number>
- فریزر، جیمز بلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی؛ از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران. ترجمه منوچهر امیری، تهران: نشر توس.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
- کجباف، علی اکبر، الهیاری، فریدون و بختیاری، سمیه (۱۳۹۲). نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی. فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ۵(۲۰)، ۳۹-۵۴. https://jhr.ui.ac.ir/article_16616.html
- کاویانی، محمد (۱۳۹۱). سبک زندگی و ابزار سنجش آن. قم: انتشارات سبحان.
- کوپر، مریان سی (۱۳۳۴). سفری به سرزمین دلاوران. ترجمه امیرحسین ظفر ایلخان بختیاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. تهران: نشر نی.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳). سفرنامه یوشیدا/ ماساهارو. ترجمه هاشم رجب‌زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- مکن روز، الیزابت (۱۳۷۳). با من به سرزمین بختیاری بیایید. ترجمه مهرباب امیری، تهران: انتشارات سهند.
- ملکم، سر جان (بی تا). تاریخ ایران. ترجمه میرزا حیرت، تهران: انتشارات سعدی.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نظری مقدم (۱۴۰۲). چگونگی بازنمایی هویت زن ایرانی در سفرنامه‌های خارجی عصر قاجار. فصلنامه مطالعات ملی، ۹۴ (۲)، ۱۰۱-۱۲۴.
<https://doi.org/10.22034/rjnsq.2023.364871.1446>
- نیکیتین، باسیل (۱۳۵۶). خاطرات و سفرنامه موسیو نیکیتین؛ قنصل سابق روس در ایران. ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات معرفت، چاپ دوم.

